

## تاریخچه هفت هزار ساله زبان ترکی در آذربایجان

چندی قبل مقاله‌ای تحت عنوان زبان فارسی و گویش آذری در آخرین شماره نشریه دانشجویی مبین (شماره ششم - اسفند 1380) به چاپ رسید که سراسر تحریف واقعیت و توهین به زبان و فرهنگ ملت آذربایجان بود که احساسات قشر طالب علم و دانش دانشگاه را جریحه دار نمود. لذا با اینکه تحریفات نام برده در حد نوشتن جوابیه نمی‌باشد، ولی به منظور آگاهی افکار عمومی دانشجویان تصمیم به تنظیم نوشته‌ای که هم‌اکنون در خدمتتان می‌باشد گرفتیم. در ابتدا قبل از شروع بررسی تاریخی ترکی بودن زبان مردم آذربایجان از حداقل هفت هزار سال قبل تا به امروز سخنی چند با نویسنده محترم داریم.

نویسنده گرامی اطلاعات نادرستی که جنابعالی سعی در تلقین آنها به خواننده دارید به پیرو سیاستهای شونیستی و پان فاریستی رژیم پهلوی می‌باشد، که بعد از انقلاب اسلامی دیگر جایی در سیاستهای کلی مملکت و نیز افکار عمومی ندارد. بنابراین جنابعالی می‌توانید از منابع بی‌طرف و بی‌غرض که بعد از انقلاب به چاپ رسیده برای پی بردن به واقعیات‌های تاریخی استفاده نمایید.

همانطور که رهبر معظم انقلاب، جناب آیت ا... خامنه‌ای در سفر اخیر خود به استان اردبیل بیان داشتند رمز وحدت ملی ایران نه زبان فارسی بلکه دین مبین اسلام می‌باشد، و لذا در گفتار و نوشتارهای خود این بیانات را مد نظر داشته باشید و سعی در پیاده نمودن سیاستهای فرسوده رژیم پهلوی نفرمایید.

همچنین توجه جنابعالی و امثالهم به این آیه از قرآن بسیار ضروری می‌باشد: «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و اللوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین» (سوره روم آیه 22)

ترجمه: از نشانه‌های او (خداوند) است، آفرینش زمین و آسمان و اختلاف زبانها و نژادها است، اینها آیات خداوند را برای انسان روشن می‌سازد.

اما زبان مورد ادعائی نویسنده مقاله عنوان شده، و سایر منابع وابسته به شونیسم که هیچگونه وجود خارجی ندارد و لازم به ذکر است که این زبان اختراع جاسوس و عامل انگلیسی در ایران (احمد کسروی) می‌باشد، که ایشان نیم زبانهای تاتی و تالشی موجود در بعضی از روستاهای منطقه مرند را که متکلمین آن حتی به چند هزار نفر هم نمی‌رسد را به عنوان زبان آذری تلقی کرده که گویا زبان باستانی آذربایجان نیز بوده. البته این ادعاها به هیچ گونه پایگاه علمی وابسته نیست، چرا که کسی از گرامر، قواعد، دستور زبان، صرف و نحو زبانی جعلی بنام آذری اطلاعی ندارد و قواعد آنرا تدوین نکرده از تاریخ رونق و ادامه حیات آن و کاربرد و قلمرو نفوذ ادعائی آن، فولکلور، داستان، افسانه و آثار برگزیده نظم و نثر یا ... اثری ملموس ارائه نشده، از نقش زبان ادعائی (آذری) در ادبیات فارسی و زبان ترکی و زبانهای دیگر، ماقبل و مابعد آن چیزی در بین نیست و اگر واقعاً هست در کجا تدریس می‌شود؟ کسی تا حال آنرا یاد نگرفته و کسی یاد نداده و اگر وجود داشت، در هفتاد سال گذشته بدون شک در دانشکده‌های ادبیات خود، جزء دروس اجباری تدریس، و جزء مواد درسی مؤسسات عالی یا در برنامه درسی دبیرستانها قرار می‌گرفت. 1

همچنین زبان ترکی که به ادعای نویسنده در زمان صفویه به میان آمده (یعنی که به قول ایشان سابقاً وجود نداشته) هم قبل و هم بعد از صفویه آثار ارجمندی بر جای گذاشته است که تعداد آنها بالغ بر صدها کتاب، رساله و اثر علمی، ادبی، فلسفی، شعر، نظم و نثر می‌باشد که بعضی از آثار

ماقبلي صفوي عبارتند از: قوتاد، قوبيليك، نهج الفراديس، عتبه الحقايق، صحاح العجم، اغوزنامه، ديوان الغات الترك محمود كاشغري و صدها اثر ديگر كه طبعاً براي نوشتن آنها پشتوانه ادبي هزاران ساله لازم است كه با فرض آذري بودن ترکان آذربايجان نمي توان كتابهاي خلق الساعه نوشت.

اما جالبتر اينكه حتي يك كتاب يا ديوان به زبان آذري وجود ندارد. 2 ولي استحکام زبان تركي تا آنجاست كه توانست زبان عربي را كه جزو زبانهاي با قاعده و گسترده دنياست پس از حمله اعراب در آذربايجان، منزوي و مستحيل كند چنانچه زبان عربي وارد آذربايجان نشده و ادامه حيات نداده است. 3

همچنين نويسنده محترم مقاله نام برده و مدافعان زبان آذري، گاه سلجوقيان، گاه غزنويان، گاه مغولها و گاه صفويان را موجب ترك شدن تركهاي آذربايجان مي دانند. اما كسي كه كمترين اطلاعي از تاريخ داشته باشد، به خوبي مي داند كه مغولها از چين تا غرب آفريقا و از سيبيري تا اقيانوس هند را تحت حكومت داشتند و خانهاي مغول بر تمام آسياي ميانه و هندوستان و ايران حكمراني مي كردند پس چرا مردم ساير مناطق غير ترك زبان را ترك نكرده اند؟

سلجوقيان، غزنويان، اتابكان، صفويان و مغولها كه همگي ترك بودند در ساير نقاط ايران بيش از آذربايجان حكومت كرده اند و پايتخت ديرپاي صفويان و سلجوقيان، اصفهان بوده و شهرهاي تبريز، مراغه و اردبيل كمتر به عنوان پايتخت حكومتهاي فوق بوده اما چرا در اين بين فقط مردم آذربايجان ترك شده ولي مثلاً مردم اصفهان ترك نشده اند و چگونه بعد از هفتاد سال تبليغات با استفاده از بيت المال و وسايل ارتباطي پيشرفته و آموزش اجباري فارسي، تركهاي آذربايجان فارس نشده اند، اما در زمان فلان شاه، با عدم وجود حتي يك صدم از اين امكانات مردم غير ترك يكباره ترك شده اند؟ و چرا اينگونه افراد در بررسي زبان مردم آذربايجان از زبان حداقل بيست و پنج ميليون آذربايجاني ترك، چشم پوشي نموده و به گويش چند هزار نفر به لهجه هاي تاتي و هرزني پناه مي برند؟

اما به منظور بررسي زبان آذربايجان در طول تاريخ، در ابتدا به بررسي تاريخ اقوام و حكومتهاي كه در آذربايجان بوده اند مي پردازيم. در مورد ملتهاي كه قبلاً در آذربايجان زيسته اند مي توان به سومنرها، ايلاميهها، هوريها، آراتتاها، كاسسيها، قوتتياها، لولوبياها، اورارتوها، ايشغوزها (ايسكيتها)، ماناها، گيلزانها، كاسپيها و ... اشاره كرد كه زبان تامي آنها التصاقي و جزو خانواده زبانهاي تركي بوده. 4 از اين ميان سومنريها، ايلاميهها و هوريها اقوامي بودند كه اولين تمدنها و مدنيتها را روي زمين بنا نهادند.

با توجه به كتب ارزشمندی چون كتابهاي پي پيرآميه، دكتر ضياء صدر، پروفيسور دكتر زهتابي و ... مي توان به صراحت گفت كه آذربايجان از حدود هفت هزار سال قبل جايگاه تمدنهاي نامبرده مي باشد. در اين مورد نيز چندي پيش يك هيأت باستانشناسي آمريكايي - ايراني در تپه حسنلو به كشفهاي ارزشمندی دست يافتند. رهبر اين هيأت (رانبرت دالسون) بعد از تحقيقات فراوان، تاريخ اين منطقه را به ده دوره تقسيم كرد كه اولين دوره حدود 6000 سال قبل از ميلاد و چهارمين دوره مربوط به 1300 سال قبل از ميلاد تا 800 سال قبل از ميلاد مي باشد. كه اولين دوره مربوط به هوريها و آخرين دوره مربوط به ماناها مي باشد. 5

1 - جايگاه اصلي هوريها در هزاره 3 و 4 (600 سال قبل) در آذربايجان و مناطقي از قسمتهاي شمالي زاگرس و كوههاي توروس بود. 6 همچنين از ربع سوم هزاره قبل از ميلاد (2400 سال قبل از ميلاد) سند نوشته اي بدست آمده كه با الفباي اككد و به زبان التصاقي هوري بوده كه اين سند

متعلق به یکی از پادشاهان هوری بنام تیشاری می‌باشد و نیز نام یکی دیگر از پادشاهان هوریا به نام ساشانار که در 1450 سال قبل از میلاد حکومت می‌کرده نیز معلوم است. 7

2 - کاسی‌ها: درست است که کاسی‌ها در آذربایجان نبودند ولی در همسایگی آنها می‌زیستند. و تقریباً 3000 سال قبل از میلاد مابین ایلام و مناطقی از آذربایجان ساکن بودند 8 و به دلیل همزبانی و ارتباط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی تاثیر زیادی در تاریخ آذربایجان داشته‌اند.

3 - قوتی‌ها در 2800 سال قبل از میلاد و لولوبی‌ها 2500 سال قبل از میلاد در شرق و جنوب دریاچه ارومیه و قزوین و همدان ساکن بوده و حکومت کرده‌اند. 9

4 - اورارتوها 1000 سال قبل از میلاد در آناتولی و پیرامون دریاچه وان و کوههای زاگرس و اطراف دریاچه ارومیه و شهرهای ماکو و نخجوان امروزی صاحب تمدن بوده‌اند. 10

5 - در اوایل عصر 19 قبل از میلاد، قبایل مانناها با به هم پیوستن، دولت بزرگی در آذربایجان به وجود آورده و حکومت کرده‌اند. 11

6 - مادها که اولادهای قوتی‌ها و لولوبی‌ها بودند 670 سال قبل از میلاد با اعتلاف با مانناها حکومتی قدرتمند به وجود آوردند که همدان، اراک، ساوه، زرنده، سونقور، کاشان، قم، قزوین، زنجان و ... تحت حاکمیت آنها بوده. 12

و اما در مورد زبان، همچنین ارتباط زبانی مادها و سومنرها دیاکونوف در فصل 42 کتاب خود می‌نویسد که در لیست نامهای شاهان ماد یعنی قوتی‌ها، به نامهایی بر می‌خوریم که در لیست نام شاهان سومنر می‌باشند.

از دیگر همسایگان مادها که همزمان با آنها بوده و زبان هردوی آنها از یک خانواده می‌باشد می‌توان به ایشغوزها اشاره کرد که در قرنهای 7 و 8 قبل از میلاد در قسمتهایی از آذربایجان زندگی کرده‌اند.

برخلاف آنچه که امروز شایع شده مادها نوه یک قبیله منفرد بودند که به اصطلاح از سایر آریاییها جدا شده و در آذربایجان ساکن شده‌اند و نه به رغم عقیده شایع، دایر بر اینکه منابع مربوط به تاریخ ماد فوق العاده ناچیز است، منابع آشوری از قرن هفتم تا قرن نهم قبل از میلاد نه تنها برای احیای تاریخ باستان آذربایجان کافی است بلکه جزئیات مهمی را نیز روشن می‌سازد. با تغییر و تحولات در اوضاع سیاسی آروزگار در آذربایجان، هفت قبیله آذربایجان باستان که قبلاً جزو اتحادیه ماننا و اورارتووساکایی بودند اتحادیه‌ای تشکیل دادند که بعدها یونانیان باستان آنها را میدیا آنچه ما، ماد می‌نامیم نامیدند، این قبایل را هرودوت تاریخ نگار یونانی چنین نام می‌برد:

1 - بوآسای Bousai

2 - پارتلاکنوی Parelakenoi

3 - استروخات Stroukhotes

4 - مغ Magai

5 - بودیو Boudioi

6 - آری زانتوی Ariazantoi

7 - ماد Mid

و نیز مطالعه نامهای شهرها و ولایات ماد نشان می‌دهد که آنان آریایی نیستند.

بعد از آشنایی با تعدادی از اقوام و حکومت‌های آذربایجان، اینک به بررسی نوع زبان آنها می‌پردازیم.

طبق تقسیم بندی متخصصان زبان‌شناس، کل زبانهای موجود در دنیا به سه شاخه تقسیم بندی می‌شود: 13

1 - زبانهای التصافی که تمام زبانهای مربوطه به خانواده زبان ترکی در این شاخه قرار دارند.

2 - زبانهای تحلیلی که از مهمترین زبان این شاخه می‌توان به زبان عربی اشاره کرد (با توجه به این که فارسی نیز سی و سومین لهجه زبان عربی می‌باشد بنابراین فارسی نیز در این شاخه قرار دارد). 14

3 - زبانهای هجایی که از شاخص‌ترین زبانهای این شاخه نیز می‌توان به زبان چینی اشاره کرد.

حال با توجه به این تقسیم‌بندی و با توجه به اسناد تاریخی و علمی به بررسی نوع زبان اقوام ساکن در آذربایجان می‌پردازیم.

طبق تحقیقات هومل زبانهای ایلام و سومنر از یک پایه و جزو زبانهای اورال-آلتایی (التصافی) می‌باشد. 15 زبانهای هوری و لولوبی نیز نه، تحلیلی و نه هجایی بوده، بلکه آنها نیز جزو زبانهای التصافی می‌باشند. 16

همچنین طبق نظریه مارک دمیکن (آکادمیکین) زبان کاسسی‌ها، ایلامی‌ها، قوتی‌ها، مادها و ماناها نیز التصافی بود. 17

زبانهای قوتی‌ها، لولوبی‌ها همانند بوده و با زبانهای اورارتوها و هوری‌ها خویشاوند می‌باشند. 18

همچنین اپرت باستان‌شناس فرانسوی نیز بر ترکی (التصافی) آلتایی بودن زبان مادها اشاره می‌کند. در جایی دیگر دیاکونوف می‌نویسد زبان اشکانیان نیز همانند زبان مادها و از خانواده زبانهای التصافی بوده 19 که در صورت مقایسه تحقیقات اپرت و دیاکونوف می‌توان به ترک بودن اشکانیان نیز پی برد. بدین ترتیب است که از 7000 سال تا 2500 سال قبل یعنی مدت 4500 سال به طور مطلق در منطقه جغرافیایی آذربایجان تنها و تنها اقوام التصافی زبان (ترک) زندگی و حکومت کرده‌اند. همچنین اگر تاریخ بعد از 2500 سال قبل از میلاد را بررسی کنیم باز آذربایجان در بیشتر مقاطع تاریخی مستقل از حکومت‌های دیگر منطقه بوده، به طوریکه در زمان هخامنشیان آذربایجان در مقابل آریاییها سرفرود نیاورده و تا سرنگونی این حکومت، تمام فرهنگها و آداب و سنن و زبان خود را حفظ کرده همچنین در تایید گفته بالا می‌توان به کشته شدن کورش، شاه هخامنشیان توسط ملکه آذربایجان (تومروس) اشاره کرد. 20

در زمان سلوکیان نیز کل آذربایجان مستقل از حکومت سلوکیان بوده و اسکندر نتوانست آذربایجان را به تصرف درآورد. 21 و در این مورد استرابو جغرافیدان یونانی می‌نویسد: در زمان حمله اسکندر، سرداری بنام آتورویات آذربایجان را از چنگ اندازی اسکندر محفوظ نگاهداشت. 22

در زمان ساسانیان نیز آذربایجان مستقل بوده و حتی بعد از شاپور دوم، ساسانیان با هیتی‌ها (هیاطله) پیمان اتحاد بستند تا در شمالغرب با روم بجنگد. 23 بعد از اسلام نیز ترکان اغوز که شمشیر اسلام نامیده می‌شده‌اند، در آذربایجان حکومت قدرتمندی بنا کرده و با ملازگرد مبارزه کرده

و توسط آلپ ارسلان ضربه سنگینی به آنها وارد آوردند. بعد از اغوزها نیز حکومت‌هایی که در آذربایجان و گاهی در مناطقی از ایران حکومت می‌کرده‌اند. از جمله غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولها، اتابکیان، تاتارها، آق‌قویونلوها، قره‌قویونلوها، صفویان، افشاریان و قاجارها تماماً ترک زبان (التصافی) می‌باشند.

در مورد ترکی بودن زبان مردم آذربایجان اسناد و مدارک بسیار زیادی موجود است، مثلاً: دیونیوس پریگت جغرافی‌نگار و شاعر یونانی صده چهار میلادی ترک زبانان را ساکن اصلی این منطقه می‌داند و نیز محمد عوفی در ذکر خلافت عمر بن عبدالعزیز که از سال 99 تا 101 هجری ادامه داشت، از قیام بیست هزار ترک آذربایجانی سخن می‌گوید.

همچنین اخبار موثق عبید بن شریعه جرهومی که شخص معمر و محترم در دربار اموی بوده در حضور معاویه سخن می‌گوید: (آذربایجان از سرزمین ترکان است) و این خبر را طبری و به نقل از او بلعمی و حمزه اصفهانی و ابن اثیر در کتابهای تاریخ بلعمی، تاریخ طبری، تاریخ پیامبران و الکامل گزارش کرده‌اند که از متون معتبر اسلامی به شمار می‌روند.

از دیگر محققانی که آذربایجان را به عنوان سرزمین ترکها نام می‌برند می‌توان: ژ. اوپر، کرتیز هومل، ا. م. محمد اوف، ت. حاجی یف، گ. ا. ملیکشویلی، ع. دمیرچی‌زاده، تیمور پیر هاشمی، یامپولسکی، ی. ک. یوسف‌اف، یومینوس، وروشل گوگازیان. زکی ولید دوغان، پروفیسور دکتر محمد تقی زهتابی و دهها محقق و دانشمند را نام برد.

در این میان بهتر است به نظر یامپولسکی نیز اشاره کرد که می‌گوید: ترکها در اطراف دریاچه ارومیه زندگی می‌کنند و آشوریه‌ها آنها را توروک (türük) (یامون توروک به معنی ترکهای نیرومند) نام برده‌اند و در سنگ نوشته‌های اورارتوئی هم سخن از قومی بنام توریخی رفته که در آذربایجان می‌زیستند. (اوایل هزاره قبل از میلاد) و می‌گوید توروکها یا توریخی‌ها همان ترکها هستند.

بهر حال ترک بودن ملت آذربایجان از هزاران سال قبل بر همه کس مسلم می‌باشد و دیگر نیاز به توضیح اضافی احساس نمی‌شود ولی در مورد سابقه تاریخی خود فارسها کمی توضیح را لازم دیدیم:

برخی از نسب شناسان، فارسها را از نسل «فارس بن یا سور بن نوح» و بعضی دیگر آنها را از فرزندان «فارس بن یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم» و بعضی دیگر از نسل «فرزندان یسراسود پسر سام پسر نوح» و بعضی از نسل اسماعیل می‌دانند. واژه فارس در زبان عربی به معنی سوارکار بوده و غیاث الدین رامپوری در غیاث اللغات همین معنی را فارس دانسته همچنین به عقیده غیاث الدین رامپوری فارسها از نسل «پارس پسر پهلوی بن سام بن نوح» هستند. 24

مسعودی در کتاب «مروج الذهب» در مورد نسب فارسها می‌نویسد «فارس» از فرزندان ارم بن افخش بن سام بن نوح بوده که او چند ده پسر آورد که همگی سوارکار بودند و چون سوار را بعربی فارس گفتند این قوم را نیز به انتساب فروسیت و سوارکاری فارس نامیدند. همچنین در جایی دیگر خطان بن معلی فارس [در شعری] در این باب می‌گوید: سبب ما بود که فارسان را فارس گفتند و سواران و سالخورده‌گانی که بروز تاخت و تاز، چون گوی بدور هم می‌پیچیدند از ما بودند.

مسعودی در ادامه بحث خود در مورد اصل و نسب فارسها می‌نویسد: بیشتر حکمای عرب از تیره نزار بن محمد چنین گویند و در مورد آغاز نسب مطابق آن رفتار کنند و تعدادی از ایرانیان نیز پیرو این باشند و انکار آن نکنند. 25. پس چنانکه از مستندات فوق بر می‌آید و بسیاری از ایرانیان نیز

پیرو این باشند و انکار آن نکنند. فارسیها از نسل اعراب می‌باشند و نیز چنانچه می‌دانیم حضرت ابراهیم(ع) فرزندان بسیاری داشت که حضرت اسحاق(ع) و حضرت اسماعیل(ع) از همه معروفترند، بر طبق نظر بعضی از نسب شناسان، فارسیها از نسل «حضرت اسماعیل(ع)» هستند و در این مورد می‌گویند که وقتی سارا زن حضرت ابراهیم(ع) کنیز خود هاجر را به ابراهیم بخشید از هاجر فرزندی بنام اسماعیل متولد شد و چون سارا به آن رشک می‌ورزید لذا حضرت ابراهیم(ع) او را به سرزمین مکه فرستاد و در همین مکه بود که حضرت اسماعیل(ع) با زنی از قوم بنی جرهم ازدواج کرد و نسل فارسیها از او پدید آمد. 26

همچنین در این مورد می‌توان با توجه به آثار مکتوب دانشمندان ایرانی فارس، زبان واقعی قوم فارس را که زبان اکنون آنها نیز منشعب از آن است را تشخیص داد. ما در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم: «سیبویه (دایرة المعارف بریتانیکا جلد 1 ، ص 461 ) ، طبری - تاریخ نگار (بریتانیکا ج 1 ، ص 594 ) فارابی فیلسوف (بریتانیکا، ج 9 ، ص 65) ، ابن قتیبه (بریتانیکا ج 11 ص 1021 ) ، ابوالفرج اصفهانی (بریتانیکا، ج 1 ، ص 56 ) ابو معشر بلخی (امریکاتا، جلد 1 ص 340 ) جابر (بریتانیکا، ج 1 ، ص 46) فارابی (گرانلاروس ج 1 ، ص 902) رازی (گرانلاروس) و ... لازم به ذکر است که تألیفات تمامی این دانشمندان به زبان عربی می‌باشد که حتی در دانشنامه‌های نام برده، خود دانشمندان نیز به عنوان عرب شناخته شده‌اند. 27

با توجه به اسنادی که از تعداد کمی از آنها در این مقاله استفاده شده، بهتر است نویسنده محترم تاریخ فارسیها را با دیدی بدون تعصب و بدون دور از هر گونه گرایش پان‌فارسیستی مورد ملاحظه قرار داده و ایرانی بودن را نه با معیار فارس بودن بلکه با معیار اسلام بسنجند، همچنین یادآوری کوچکی به نویسنده محترم داریم و آن اینکه با توجه به مقاله ایشان که در قسمتی از آن نوشته‌اند: [ با توجه به نژاد مردم آذربایجان به راحتی می‌توان نوع زبان آنها را نیز تعیین کرد] بهتر است در نظر داشته باشند که بهیچوجه نژاد یک ملت نشانگر زبان خاصی برای آن ملت نیست، چرا که در آن صورت در دنیا فقط چند زبان وجود داشت، نه هزاران زبان زنده کنونی و از بین رفته قبلی ، و نیز در قسمتی دیگر از مقاله ایشان به آمدن ترکان به این مناطق در قرون پنجم هجری اشاره می‌کنند که تعجب خواننده را برمی‌انگیزد، چرا که در آن صورت دروغ بودن شاهنامه فردوسی که سراسر توهین به ترکها است آشکار می‌شود. همچنین نویسنده محترم مطالب زیر را نیز در خاطر داشته باشند که یکی از نامدارترین جاسوسان بریتانیا در ایران که بانی و یکی از دست اندرکاران فعال تاریخ پان‌فارسیسم می‌باشد شاپور . جی . رپورتر است که با توجه به اسناد و مدارک موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، می‌توانید به حمایت انگلیسیها و اروپایی‌ها نه از پان‌ترکیستها، بلکه از پان‌فارسیستها پی ببرید. 28 در ضمن نویسنده محترم، پان‌فارسیسم را نیز در لیست پانهایی که تشکیل داده‌اند، قرار دهند.

## منابع

- 1 - نقدي بر كتاب زبان آذري نوشته دكتور جواد هيئت
- 2 - نقدي بر كتاب زبان آذري نوشته دكتور جواد هيئت
- 3 - سلماس در مسير تاريخ ده هزار ساله - توحيد ملك زاده.
- 4 - تاريخ ديرين ترکان ايران - پروفيسور دكتور زهتابي و تاريخ ايلام - پي يئر آميه (ترجمه شيرين بياني) صفحات 3 ، 50 ، 51 ، 60 ، 66 .

- 5 - آذربایجان در سیر تاریخ - صفحه 262 - تاریخ دیرین ترکان ایران - پرفسور زهتابی .
- 6 - تاریخ دیرین ترکان ایران - پروفیسور دکتر زهتابی صفحه 94 .
- 7 - تاریخ دیرین ترکان ایران - پروفیسور دکتر زهتابی صفحه 95 .
- 8 - تاریخ ماد- دیاکونوف صفحه 100 .
- 9 - تاریخ ماد - دیاکونوف صفحه 210 .
- 10 - تاریخ دیرین ترکان ایران- پروفیسور دکتر زهتابی.
- 11 - تاریخ آذربایجان - آن قلی اوف صفحه 17 .
- 12 - تاریخ دیرین ترکان ایران- پروفیسور دکتر زهتابی صفحه 264 .
- 13 - زبان ترکی و لهجه‌های آن - دکتر جواد هیئت صفحه 25 .
- 14 - تحقیقات سازمان یونسکو در مورد زبانهای دنیا - هفته نامه امید زنجان چهارشنبه 20 خرداد 78 شماره 286 صفحه 3 .
- 15 - سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی دکتر جواد هیئت صفحه 21 .
- 16 - تاریخ ماد - دیاکونوف صفحه 101 .
- 17 - تاریخ دیرین ترکان ایران - پروفیسور دکتر زهتابی صفحه 254 .
- 18 - تاریخ ماد - دیاکونوف صفحه 99 - و تاریخ دیرین ترکان ایران صفحه 95 .
- 19 - اشکانیان - دیاکونوف، ترجمه کشاورز صفحه 116 .
- 20 - ایران باستان - پیرنیا جلد يك صفحه 452 - 449 و تاریخ دیرین ترکان ایران - صفحه 637 .
- 21 - اشکانیان - دیاکونوف صفحه 8 .
- 22 - تاریخ ارومیه - احمد کاویانپور ص 55 - 54 .
- 23 - تاریخ اجتماعی ایران - مرتضی راوندی صفحه 616 - 611 .
- 24 - غیاث اللغات- صفحه 633 .
- 25 - مروج الذهب- جلد اول صفحه 231 .
- 26 - تاریخ گزیده حمد ... مستوفی به اهتمام دکتر عبدالحسین نوابی - موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران 1366 صفحه 30 .

27 - روزنامه جام جم - صفحه 7 - پنجشنبه 2 خرداد 1381 / سال سوم / شماره 586 .

28 - نشریه بهار - شنبه 24 اردیبهشت 1379.

[...www.ArazOnline](http://www.ArazOnline...) © Copyright